

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.20.6

Right to the City and Sexual Differences Challenges (Case Study: Qazvin City)

Fahimeh Shokoohfar¹, Zohre Davoudpour^{2*} & Vahid Bigdeli Rad³

1. PhD Student in Urban Planning, Department of Urban & Regional Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

2. Assistant Professor, Department of Urban & Regional Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

3. Assistant Professor, Department of Urban & Regional Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

* Corresponding author: Email: zdavoudpour@yahoo.com

Receive Date: 27 February 2021

Accept Date: 30 August 2021

ABSTRACT

Introduction: Citizens' emotional and cognitive perceptions lead to a general perception of citizenship rights.

Research aim: The purpose of this study was to Right to the City and Sexual Differences Challenges in Qazvin City.

Methodology: Our focus in this research is to study the factors that affect, and are related to gender. Gender was considered as a determining factor in the perception of urban spaces to examine the possibility of gender differences in the enjoyment of the right to the city. The population of this study is 390 citizens of Qazvin city that were selected by proportional stratified-sampling, and by combining inappropriate cluster sampling and proportional classification. The data analysis was done by R, using two-way logistic regression and ordinal regression.

Studied Areas: The geographical scope of this research is the residents of Qazvin city.

Results: The results show that gender plays an important role in citizens' perception of the right to their city. A male citizen of Qazvin is about 30 percent more likely than a female citizen of Qazvin to have a sense of entitlement to the city.

Conclusion: Among the analyzed factors, physical convenience had the highest gender gap in terms of citizen satisfaction, which can be largely prevented by increasing the determinant components in cities, and it also increased satisfaction with the right to the city. Furthermore, the dimension of physical comfort was the most differentiated between men and women in terms of satisfaction, indicating that Qazvin, does not provide as much security for women as men.

KEYWORDS: Realization Right to the City, Gender, Space, The right of Participation, The Right of Appropriation



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۷، شماره ۴ (پیاپی ۶۱)، زمستان ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۰۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۰۵۹۵۸-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۹۸۹-۹۷۷

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.20.6

مقاله پژوهشی

واکاوی چالش تفاوت‌های جنسیتی و حق بر شهر (مطالعه موردی: شهر قزوین)

فهیمه شکوه‌فر^۱، زهره داودپور^{۲*} و وحید بیگدلی راد^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
۲. استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
۳. استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

* نویسنده مسئول: Email: zdavoudpour@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۸ شهریور ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: ادراک عمومی از حقوق شهروندی نشأت گرفته از عوامل متعددی است که تا حد زیادی به برداشت‌های حسی و شناختی شهروندان مرتبط می‌باشد. هدف این پژوهش، واکاوی چالش تفاوت‌های جنسیتی و حق بر شهر در شهر قزوین است.

روش‌شناسی تحقیق: پژوهش حاضر به بررسی این ابعاد و عوامل موثر بر آن و ارتباطش با مفهوم جنسیت می‌پردازد و با بررسی وضعیت ادراک زنان از نظریه حق بر شهر لوفور در بستر شهر قزوین، احتمال وجود تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از این حق را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. حجم نمونه ۳۹۰ نفر از دو جنسیت در شهر قزوین و انتخاب نمونه با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توأم با طبقه‌بندی صورت گرفته است. برای این منظور از روش آماری رگرسیون لجستیک اسمی دو وجهی و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های تأثیر گذار بر حق بر شهر در نرم افزار R استفاده گردید.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، ساکنان شهر قزوین می‌باشد. یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد جنسیت نقش مهمی در میزان ادراک این مهم داشته و شهروندان مرد به احتمال ۳۰ درصد بیش از شهروندان زن، ادراک بهره‌مندی از حق بر شهر را دارند.

نتایج: در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که در میان ابعاد بررسی شده، بعد آسودگی فیزیکی بیشترین تمایز در میزان رضایتمندی را داشته است که نشان می‌دهد فضاهای شهر قزوین احساس امنیت زنان را به اندازه مردان تأمین نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: تحقق حق بر شهر، جنسیت، فضا، حق برخورداری، حق مشارکت

مقدمه

با رشد سریع شهرنشینی، شهرها به مهمترین بستر زندگی جمعی تبدیل شده‌اند و با توجه به محروم سازی‌ها و قشر بندی‌های اجتماعی، شاهد شهرهایی هستیم که دچار دوگانگی شده و بر اساس طبقات اجتماعی، جنسیتی و غیره شکل گرفته‌اند و طبقاتی از آن فاقد حقوق اساسی اجتماعی و اقتصادی‌اند و بنابراین وضعیت شهروندی در آن‌ها دچار بحران شده است (DeSena, 2008; Jarvis, et al., 2009; Massey, 2013)، با توجه به عصر حاضر که، زنان حضور بیشتری در فضاهای شهری دارند (Chant & McIlwaine, 2015) اهمیت موضوع پژوهش حاضر دو چندان خواهد بود. با توجه به این مهم، جامعه شهری پیچیده معاصر، به دلیل گذر زمان و پویایی تغییرات و ارتباطات، با ظهور رفتارهای اجتماعی جدید مواجه شده است. این پیچیدگی سرچشمه خشونت شهری است که بر زندگی زنان در شهر به شیوه‌ای متفاوت تأثیر می‌گذارد. فقر، نابرابری، تقسیم کار جنسیتی، خشونت خانگی و عمومی، همگی موانع مهمی هستند که زنان را از حقوق شهروندی خود باز می‌دارند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

در این راستا، نقد فمینیستی که در برنامه‌ریزی شهری، در دهه هشتاد توسعه یافت، نقش برنامه‌ریزان شهری در ایجاد محیط‌های جنسیتی که عمدتاً متناسب با نیازهای مردان شکل گرفته اند را نشان می‌دهد. به عنوان یک پاسخ مستقیم به این موضوع، شناخت اینکه شهر بدون تبعیض جنسیتی، ممکن است به چه شکل باشد و تفاوت‌های شهری که برابری زن و مرد در آن وجود دارد، چگونه است، می‌تواند مؤثر باشد. این‌ها بینش مهمی هستند اما بسیاری از پرسش‌ها همچنان مبهم اند: چگونه می‌توان روش‌هایی را درک کنیم که در آن زنان قادر به دسترسی به تمام شهر باشند و نقش برنامه‌ریزی در حمایت از این فرایند چیست؟ چگونه می‌توان بر روی حمایت‌های روزمره ریزان برای درک در نظر گرفتن بعد جنسیتی فضا تمرکز کرد؟

در راستای پاسخگویی بدین موضوعات بررسی نقش تأثیر جنسیت در بهره‌مندی از حق و در راستای پیگیری مجموعه‌ای از مطالبات اخلاقی شهروندان با در نظر گرفتن تعارضات جنسیتی بر اساس اصل عدالت و یک نشانه، برای به تحرک درآوردن شهروندان، حق بر شهر در نظریه و عمل، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. منظور از حق، حقوق چند جانبه و به هم پیوسته است که، حق به فضای عمومی، حق به اطلاعات و شفافیت در دولت، حق دسترسی به مراکز و حق بهره‌مندی از خدمات که در عصر حاضر، یکی از مفاهیم قابل تأمل در مطالعات شهری است و در قالب منشورها و قانون‌های متعدد به عنوان یکی از ملزومات حقوق شهروندی به آن پرداخته شده است، حال آنکه در جامعه ما جایگاه و مفهوم حق بر شهر، به عنوان یک ضرورت مطرح نشده و بسترهای دستیابی به آن نیز فراهم نگشته است (اکبریان و همکاران، ۱۳۹۶).

در شهرهای میانی نیز مانند شهر قزوین مسائل مطرح شده به دلیل عدم آگاهی شهروندان از حقوق خود و اختصاص دهی بیشتر فضاها به گروه‌های خاص، بیشتر مورد توجه است. توجه به حق بر شهر می‌تواند در کارآمدی عرصه عمومی شهر تأثیر به‌سزایی داشته باشد. این نوشتار با استفاده از چهارچوب نظری ایده حق بر شهر تلاش می‌کند در کنار به آزمون گذاشتن نظریه در بستر شهروندی قزوین، تفاوت‌های موجود در بهره‌گیری از حق بر شهر در بعد جنسیتی را نیز آشکار کند.

"حق بر شهر" عنوان دومطالعه متفاوت با تفاوت زمانی ۴۰ سال است (اولین نوشته توسط هنری لوفور و سپس توسط دیویدهاروی). در سال ۱۹۶۸، لوفور، "حق بر شهر" را به عنوان "مطالبه و تقاضا" تعریف کرد. در تعریف لوفور، حق بر شهر می‌تواند به عنوان یک حق تغییر و تجدید در زندگی شهری فرموله شود (Lefebvre, 1996). شهر برای لوفور حاوی سه مفهوم مرتبط، فضا، زندگی روزمره و باز تولید روابط اجتماعی سرمایه داری و قدرت تعریف شده است و شهرهای امروز را منعکس کننده روابط سرمایه داری و نظام قدرت می‌داند (افروغ، ۱۳۷۶) پس از انتشار حق بر شهر لوفور، بسیاری از صاحب نظران، نظریه آرمانشهر خود را، به عنوان پایه‌ای برای انتقاد از افزایش نئولیبرالیسم شهرها و فضاهای شهری سراسر جهان، مورد توجه قرار دادند (Brenner & Elden, 2009; Kipfer, et al., 2013) حق بر شهر (Lefebvre, 1996)، دیدگاهی سیاسی ارائه می‌کند که بر رضایت شهروندان و "نجات بشر به عنوان شخصیت اصلی ساخته شده توسط شهر" تأکید دارد. حق بر شهر از نظر لوفور از دو حق اساسی، حق برخورداری از فضا و حق مشارکت شهری، برای ساکنان تشکیل شده است. حق مشارکت شهری را نقش کلیدی داشتن شهروندان در تولید فضای شهری که توسط دولت، سرمایه و نهادهای چند جانبه، ایجاد می‌شود، تعریف می‌کند. لوفور تأکید می‌کند که این نقش باید مرکزی و محوری باشد (Purcell, 2002; Lefebvre, 1996).

با وجود تمام مطالعات انجام شده در رابطه با ابعاد مختلف حق بر شهر، حق مطالبه حقوق، حقی مشخصی نیست (Arendt, 1989)، همه افراد احساس نمی‌کنند که حقی برای مطالبه حقوقی که محق آن هستند را دارند. توانایی مطالبه حق، برای ساخت

شهر، موضوعی اساسی است. با این حال، فرآیند تعریف این که، چه کسی حق مطالبه حق را دارد معمولاً در حوزه سیاست انجام می‌شود که نیازمند بررسی بیشتر است (Bastia, 2018)، این در حالی است که، شهرها از زمانی که حق بر شهر لوفور مطرح شد، به شیوه‌های قابل توجهی تغییر کرده‌اند. حق بر شهر، به عنوان، مطالبه حق بهره مندی از فضای شهری شناخته می‌شود که، می‌تواند نقطه آغازی برای شکل‌گیری جنبش‌های مختلف شهری از جمله جنبش‌های فمینیستی، در راستای بهبود آینده شهرها باشد (Purcell, 2003).

در قالب این جنبش‌ها، منتقدان فمینیستی تحقیقات شهری نشان داده‌اند که زنان و مردان تجربه‌های متفاوتی از شهر دارند، (Chant and McIlwaine, 2015) و برخی دیگر از محققین، نهادهای شهری، از جمله بازار کار را دارای تبعیض جنسیتی دانسته و بیان کردند، زنان در شهرها در نسبت به روستاها، دسترسی بیشتری به شغل دارند و تحرک فضایی بیشتری نیز دارند. آن‌ها همچنین در جنبش‌های مردمی فعالانه برای مبارزه با بی عدالتی‌های روزمره فعالیت می‌کنند (Jarvis, et al., 2009; McIlwaine, 2013; Patel & Mitlin, 2002).

با وجود دهه‌ها انتقادات فمینیستی از نظریه‌های شهری، که مرکزیت جنسیت را در هر درکی از شهر نشان می‌دهد، اصلی‌ترین تئوری شهری که همچنان رد شده معطوف به دانش شهری فمینیسم است. این موضوع شامل بررسی بعد جنسیتی حق بر شهر، به خصوص تفاوت زنان و مردان در مشارکت و تخصیص فضا به خود، می‌باشد (Bastia, 2018). جنسیت، به قطب فراموش شده بعد تئوری و عملی در شکل دادن به شهرها، تبدیل شده (Beebejaun, 2017) و با وجود چندین دهه تحقیق فمینیستی، دیدگاه‌های غالب در حوزه "حق بر شهر" توجه کمی به مسئله جنسیتی "حقوق" دارند. همین طور، شناخت نقاط تلاقی تبعیض‌ها، پیچیدگی تجارب جنسیتی در تنش با نژاد، قومیت، طبقه، سن، یا جنسیت را نشان می‌دهد (Frisch, 2015; Crenshaw, 1997)، تجارب جنسیتی، به مکان‌ها، شرایط و رژیم‌های سیاسی، وابسته است. جنسیت به طور مداوم در مقیاس‌های مختلف، از طریق قوانین ملی، و تغییر شرایط زندگی، دوباره سازی می‌شود، در نتیجه لایه‌های متفاوت از پیچیدگی به منظور، آنالیزهای پیوسته ایجاد می‌شود. شهر از طریق فعالیت‌های متعدد و تجارب ساکنان آن، جنسیتی می‌شود. بنابراین مساله جنسیت در ایران نیز به شکل متفاوتی ظاهر می‌شود که نیاز به بررسی عمیق‌تری دارد (حبیبی، ۱۳۹۱). مطالعات تاریخی بیانگر آن است که تا قبل از ورود مدرنیته، فضاهای شهری ایران بیشتر تک جنسیتی بوده است، با ورود مدرنیته فضاهایی با عملکردهای جدید به فضاهای عمومی اضافه شدند که توامان با تغییر نوع پوشش و تفکرات جدید مدرنیته، با توجه به ماهیت فضاها، شاهد حضور زنان بوده‌ایم (Najmabadi, 2005).

بعد از انقلاب، همگرا شدن ارزشهای سنتی خانواده با ارزشهای اجتماعی و مشروعیت حضور و فعالیت اجتماعی و اشتغال زنان خارج از خانه، تحولی دیگر در این عرصه به وجود آورد، با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرت گرا با توجه به ظهور دموکراسی در جامعه مدنی امروز و رویکرد عدالت محور در برنامه ریزی و طراحی شهری، زنان شرایطی برابر با مردان را از نظر حضور در فضای شهری مطالبه داشتند. زنان در جامعه امروز ایران وارد عرصه‌های مختلف علمی و فنی و سیاسی و... شده و حضور خود را در تمام عرصه‌ها به اثبات رسانده‌اند. بنابراین حضور زنان در شهر و فضای شهری امری اجتناب ناپذیر است هرچند این حضور بیشتر با توجه به ویژگیهای فردی و ساختارهای اجتماعی، در طیفی از حضور محدود و سنتی شکل گرفته است (حبیبی و علی‌پور شجاعی، ۱۳۹۴؛ رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳؛ رضازاده و محمدی، ۱۳۹۱).

در ادامه، طبق تحقیقات نظری مرتبط با فضا، روابط فمینیستی در زندگی روزمره علی رغم اهمیت آن در نظر گرفته نمی‌شود. فضا به عنوان مکان‌های مطالبه حقوق و تساوی مورد توجه است، در مجموعه پیچیده از فضاها، احساس تعلق و حق بر شهر، ایجاد و یا به چالش کشیده شود. مطالعات مربوط به جنسیت در دهه‌های اخیر وارد مقوله فضا شده و به طور کلی، شناسایی تفاوت‌های میان زن و مرد می‌تواند نقش تأثیرگذاری بر رفتار هر یک از طرفین ایفا کند. این تفاوتها را می‌توان در زمینه مسائل مختلف مورد بررسی قرار داد. آشنایی با تفاوتها برای سازگاری، نشاط، سلامت و آرامش زندگی شخصی و اجتماعی امری ضروری است (Hosseinzadeh, 2012).

بنابر آنچه مطرح شد، تجربیات روزمره زنان و بازتاب آن‌ها در ارتباط با حس تعلق و تعهد به شهر، ارتباط مستقیم با مفاهیم حق بر شهر دارد. زندگی روزمره زنان و برنامه‌ریزی و اداره شهرها تعیین کننده میزان بهره مندی جنسیتی از حق بر شهر است (Fenster, 2005)، ادبیات موجود در زمینه شهروندی نشان می‌دهد که چگونه زنان، در فرهنگ‌ها و زمینه‌های سیاسی در همه سطوح و در بخش‌های خصوصی و عمومی و در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، رفاهی و سیاسی، مورد تبعیض قرار گرفته‌اند (Young, 2011; Yuval-Davis, 2004; McDowell, 1999; Lister, 1997).

بنابراین جنسیت به عنوان یکی از مهمترین تعارضات موجود در جوامع شهری مورد توجه مفهوم حق بر شهر در مطالعات مختلف بوده است، هرچند به واسطه عدم وجود ابزار سنجش مدون کمتر مورد توجه قرار گرفته است، با وجود چندین دهه تحقیق فمینیستی، دیدگاه‌های غالب در حوزه "حق بر شهر" توجه کمی به مسئله جنسیتی. حقوق" دارند. بخشی از مطالعات انجام شده به شرح زیر است:

ماسی (Massey, 2013) با بررسی داده‌های بین‌المللی بیان می‌کند که فضای شهری تعلق کمتری به زنان دارد و در بیشتر فرهنگ‌ها، زنان به خصوص زمانی که تنها باشند، نمی‌توانند از فضاهای عمومی شهر، مانند پارک‌ها و خیابان‌ها استفاده کنند. فابولا و تیمار (Fabulaa & Timár, 2018) در مقاله «نقض حق بر شهر زنان دارای معلولیت، در جوامع روستایی مجارستان»، با تاکید بر انکار حق بر شهر برای اقشار مختلف اجتماعی در شهرهای معاصر، بیان می‌کند که در کشورهایی که دارای توسعه فضایی نا برابر هستند و توازن میان شهر و روستا در آنها حداقل است، این انکار بیشتر مشاهده می‌شود. فالو (Falú, 2013) در مقاله «حق بر شهر، تمرین حقوق شهروندان زن: بحث معاصر روزاریو، آرژانتین»، با مطالعه جایگاه زنان در جامعه معاصر، تبعیض‌های جنسیتی، تقسیم کار بر اساس جنسیت و با اشاره ویژه به خشونت‌های شهر بر علیه زنان و محدودیت حقوق آنها، بیان می‌کند، عامل کلیدی در توسعه دموکراسی واقعی در جامعه توجه به حقوق زنان است. بیبی جون (Beebeejaun, 2017) در مقاله «جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره»، نشان می‌دهد که شناخت کامل مردم معترض عصر حاضر و در نظر گرفتن بحث جنسیت در تجارب زندگی در شهر، می‌تواند برنامه ریزان و سیاست‌گذاران را قادر به انجام انواع فراگیر مداخله در فضای شهری کند. دوان (Doan, 2015) در "حکومت استبدادی جنسیتی" نشان می‌دهد که چگونه جنسیتی بودن، هویتی ذاتی و درونی نیست دوان در عمل نه تنها به این موضوع توجه دارد که چگونه فضاها به شدت جنسیتی است، بلکه نحوه جنسیتی شدن فضاها را نیز تعیین می‌کند. فنستر (Fenster, 2005) در مقاله حق جنسیت بر شهر، با بحث درباره اشکال جدید شهروندی در شهرها از دیدگاه جنسیتی و فمینیستی و ارتباط آن با زندگی زنان در شهر و برنامه ریزی و اداره شهرها، را مورد بررسی قرار می‌دهد. همینطور، با استفاده از نقد جنسیتی، با این استدلال که شناخت حق بر شهر، با روابط قدرت از نظر نژادی، فرهنگی و جنسیتی آمیخته است، مفهوم حق بر شهر را به چالش کشیده است. رهبری و شارع پور (۱۳۹۳) در دو پژوهش تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از حق بر شهر در شهر تهران را مورد توجه قرار داده و نتیجه می‌گیرد که حق بر شهر اساساً مفهومی جنسیتی است و بهره‌مندی زنان از حق بر شهر کمتر از مردان است. فرح زاد و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مقاله شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق بر شهر، بعد مشارکت حق بر شهر در ارتباط با حضور در فضا را مورد تحلیل قرار داده و به عنوان نتیجه بیان می‌کند، تنوع فعالیتهای جاری در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان، تنوع حضور افراد بیشترین تأثیر را در احساس مشارکت زنان دارا است. پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله تحلیل حق بر شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی در شهر ارومیه، به این نتیجه رسیده است که رابطه‌ی معنی‌داری بین شاخص‌های متغیرهای مستقل حق بر شهر با متغیر وابسته عدالت جنسیتی و اختلاف معنی‌داری در بهره‌مندی زنان و مردان از حق بر شهر وجود دارد.

این بخش چارچوب مفهومی حق بر شهر را با توجه به مبانی نظری تحلیل شده ارائه می‌دهد. واضحاً، درک حق بر شهر لوفور و آن چه از این حق مد نظر نوشتار او بوده است، کار آسانی نیست، حق دارای تعاریف مختلفی است به عنوان مثال، یک حق ویژه یا مطالبه‌ای که منصفانه ادعا می‌شود، می‌توان تعریف کرد و یا با عبارت زیر حق را توصیف کرد: "انکار حق بر فضا در شرایط ناپه‌نجان، اجبار به پذیرفتن حقوق مطالبه شده توسط دیگران" (Klodawsky & Blomley, 2013).

لوفور در نوشته‌هایش به حقوق مختلفی اشاره می‌کند و این حقوق گاهی محتوا و ارزش‌های مشابهی را نشان می‌دهند. بنابراین، این نوشتار سعی دارد با ادغام برخی از این حقوق، محتوای و مفهوم مستقل هر حق را به طور مجزا نشان دهد، بنابر این با توجه به مبانی نظری با تحلیلی انتقادی از مفاهیم، چارچوبی را برای حق بر شهر، به شرح زیر ارائه می‌کند:

- حق مشارکت

حق تولید و تکوین فضا

این حق، به حق مردم برای استفاده و تولید فضاهای اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد و شامل حق طراحی و زیبایی‌گرایی در عرصه شهری است. پورسل این حق را حق برخورداری از فضای شهری مناسب تعریف می‌کند (Purcell, 2003).

- حق تصمیم‌سازی

این حق بر مشارکت مردم در تولید فضای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی توجه دارد. بنابراین این حق شامل حق داشتن اطلاعات در مورد آنچه قرار است تولید شود یا تولید شده است نیز هست. این حق، به پذیرفتن حق مشارکت در هر تصمیمی که به تولید فضای شهری می‌انجامد، اشاره دارد. این مشارکت می‌تواند تحت نظارت دولت (مانند تصمیم سرمایه‌گذاری)، یا هر نهاد دیگری باشد که بر تولید فضای شهری تأثیر گذار است، و می‌تواند در هر مقیاسی (ملی، استانی، محلی) در نظر گرفته شود (Purcell, 2003).

- حق ساماندهی

حقوق مرتبط با استفاده از خدمات مختلف شهری، حق استفاده کنندگان بر اعلان ایده‌هایشان بر فضا و زمان کنشگری‌هایشان در نواحی شهری را شامل می‌شود، همین طور این حق می‌تواند حق استفاده از مرکز را نیز پوشش دهد (Elden, 2004).

- حق برخورداری

نظارت و تصرف فضا

این حق شامل حق آزادی و حق تفاوت است. در واقع شهر جایی است که تفاوت‌ها وجود دارند. به طور خلاصه، حق بر شهر، همان گونه که در اینجا ارائه شده است، بر مبنای "یک مطالبه اخلاقی" شکل گرفته که براساس اصول بنیادین عدالت بنا شده است، تعریف می‌شود (Marcuse, 2010)، این حقوق شامل "حقوق چندگانه" است که رابطه ناهموار و تحریف شده بین دولت و شهر را به چالش می‌کشد و در نهایت به بحران‌های شهری و تلاش برای بازسازی آن می‌پردازد (Jabareen, 2014).

حق آسودگی فیزیکی

لوفور، حق بر شهر را حق سکونت و ساکن شدن می‌داند. این حق بیانگر یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی - اقتصادی افراد و خانواده‌های آن‌ها است. یکی از جنبه‌های اعتراضات اجتماعی و شهری معاصر در سراسر جهان، مطالبه حق سکونت مناسب بوده است. این حق شامل حق امنیت، محیط زیست تمیز و حفاظت‌شده، عدالت محیطی، آب تمیز و زیرساخت اصلی است (Lefebvre, 1996).

حق بهره‌مندی

شهر "باید متضمن منافع کل جامعه و در درجه اول منافع همه ساکنانش باشد (Lefebvre, 1996). بنابراین، مشمولیت شهری برای حق بر شهر برای تمام افرادی است که در آن ساکن هستند. شهروندی شامل، حقوق، وظایف و عضویت در یک جامعه متمایز سیاسی است (Kymlicka & Norman, 1994).



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی توسعه‌ای و از نظر روش انجام، پیمایشی می‌باشد، و از نوع توصیفی و تبیینی است و از روش تحقیق کمی با ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری نیز شهروندان شهر قزوین می‌باشند که طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت این شهر ۴۰۲۷۴۸ است. با استفاده از فرمول کوکران و با سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱/۹۶، p نسبت برخورداری از صفت مورد نظر برابر ۰/۵ و q نسبت عدم برخورداری از صفت مورد نظر و

برابر ۰٫۵، در نظر گرفته شده است، بنابراین حجم نمونه با اطمینان ۹۵ درصد جمعیت نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شده است. لازم به ذکر است تعداد ۴۰۰ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای توزیع شد و نهایتاً ۳۹۰ پرسشنامه تحلیل شد (Cochran, 1963). پرسشنامه محقق ساخت حق بر شهر شامل ۳۹ پرسش بود است که در آن پرسش‌های ۱ تا ۱۳ به بررسی ویژگی‌های زمینه‌ای و برخی مولفه‌های پژوهش از جمله مالکیت فضا اختصاص داده شده و به شکل پرسش‌های باز یا چندگزینه‌ای طراحی شده است. گویه‌های ۱۳ تا ۳۹ که به بررسی مولفه‌های اصلی تحقیق پرداخته و از نوع گزاره‌های اخباری مثبت و منفی است که پاسخگویان در بخش پاسخ‌ها، در قالب طیف لیکرت ۵ طبقه‌ای (ابراز موافقت کامل تا مخالفت کامل) میزان موافقت خود را با آن اعلام کردند. با توجه به مولفه‌های مطرح شده ۳ پرسش با موضوعات برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی، کیفیت و عملکرد حمل و نقل و اشتراک فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی در رابطه با متغیر تولید و تکوین فضا، آشنایی با نهادهای اجتماعی، رضایت از فیزیک فضاهای شهری و مشارکت تمام اقشار در تصمیم‌گیری برای سنجش متغیر تصمیم‌سازی و دو پرسش در رابطه با دخالت مردم در طراحی و برنامه‌ریزی فضای زندگی‌شان و رضایت از فضاهای عمومی معرف متغیر ساماندهی هستند.

گویه‌های مولفه نظارت و تصرف فضا شامل، تامین هزینه‌های مسکن برای اقشار مختلف شهر، اطلاع از تمامی پروژه‌های عمرانی شهر قبل از اجرا و عملی شدن نظرات شهروندان برای ساخت و ساز و بهبود محل زندگی می‌باشد، گویه‌های معرف آسودگی فیزیکی شامل، وجود فضاهای عمومی شهر برای تمامی اقشار، احساس امنیت جهت حضور در فضاهای شهری در شب، امنیت حضور کودکان در فضای شهری به تنهایی و کم بودن امکان رخ داد تصادف و یا آسیب جسمی در زمان حضور به صورت پیاده در فضای شهری است، گویه‌های مناسب سازی شهر برای معلولان، عدم وجود محدودیت برای حضور جنسیت و سن‌های مختلف در فضاهای شهری، همخوانی دارآمد شهروندان با هزینه‌هایشان، دسترسی متناسب به امکانات بهداشتی، تفریحی، خدمات و آموزشی شهر و توزیع عادلانه خدمات در شهر معرف متغیر حق بهره‌مندی است.

در ادامه جهت اطمینان از اینکه مهمترین و صحیح‌ترین محتوا (ضرورت آیتم) انتخاب شده است از شاخص نسبت روایی محتوا و برای اطمینان از این که آیتم‌های ابزار به بهترین نحو جهت اندازه‌گیری محتوا طراحی شده‌اند از شاخص روایی محتوا استفاده شده است. جهت تعیین نسبت روایی محتوی به صورت کمی، تعدادی از متخصصین و صاحب‌نظران در مورد هر کدام از آیتم‌های ابزار یا سنجه مورد استفاده به سه طیف آیتم شامل ضروری است، مفید اما ضروری نیست و ضرورتی به منظور بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا و شاخص روایی محتوا بهره‌گیری شده است (Haynes, et al., 1995; Heravi-Karimooi, et al., 2018; Newman, et al., 2013).

$$CVI = \frac{n_E + Y}{V} \quad CVR = \frac{n_E - \frac{V}{2}}{\frac{V}{2}}$$

در این رابطه n_E تعداد متخصصانی است که به گزینه "ضروری" پاسخ داده‌اند و V تعداد کل متخصصان است. Y نیز تعداد متخصصانی است که به گزینه "مفید است اما ضروری نیست" پاسخ داده‌اند. با توجه به انتخاب ۳۰ نفر متخصص در زمینه شهرسازی، سولاتی که ضریب نسبی روایی محتوای بالای ۳۳ درصد و شاخص روایی محتوا بالای ۷۹ درصد داشته‌اند از روایی برخوردار بوده و باقی سولات حذف شده‌اند. پس از حذف ۶ سؤال از پرسشنامه مجدد ۴ سؤال طراحی و طبق مراحل قبل پس از پرسش مجدد، پرسشنامه نهایی با ۳۷ سؤال تعیین گردید. به منظور تعیین ضریب آلفای کرونباخ، جهت تعیین پایایی آزمون (خانمرادی و همکاران، ۱۴۰۱؛ فعال‌قیومی و مومنی، ۱۳۸۹)، پرسشنامه در نمونه ۴۵ نفری برگرفته از جامعه آماری شهروندان قزوین از طریق نمونه‌گیری توزیع و بر اساس نظر آنها با استفاده از نرم افزار SPSS 25.0.0.0، آلفای کرونباخ پرسشنامه، بالای ۰/۷ محاسبه شد که بیانگر پایایی پرسشنامه طراحی شده می‌باشد.

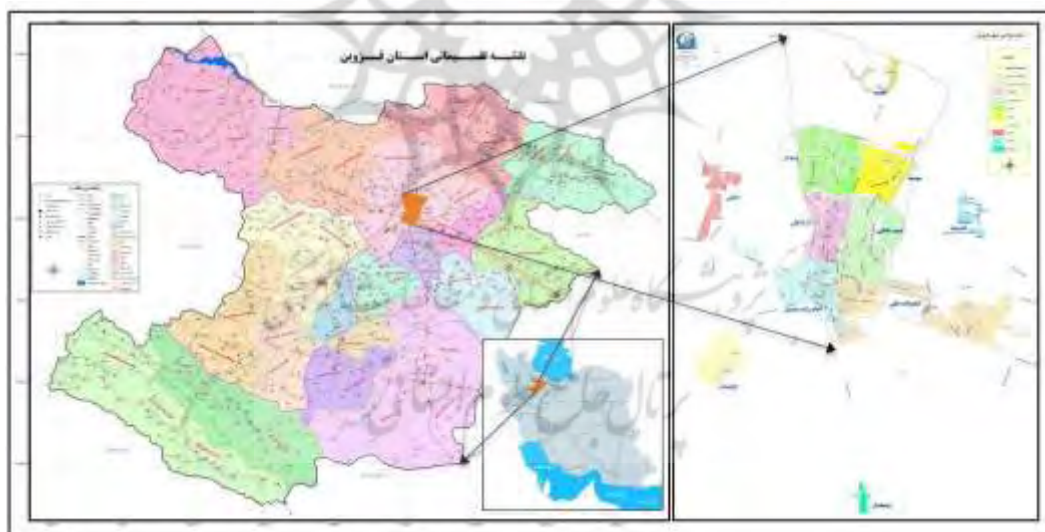
جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ استاندارد شده

تعداد آیتم‌ها	ضریب آلفای کرونباخ استاندارد شده
۷	۰/۸۲۴
۷	۰/۷۲۸
۱۲	۰/۷۸۹

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار R 3.3.0، از تکنیک‌های آماری رگرسیون لجستیک، جهت بررسی تفاوت‌های موجود در بخت زنان و مردان در بهره‌مندی از حق بر شهر و بررسی این که آیا جنسیت اساساً متغیری تعیین کننده است یا خیر، بهره گرفته شده است. یکی از روش‌های قابل اطمینان به منظور بررسی میزان معناداری، آزمون آماری میزان تاثیرگذاری جنسیت بر بخت بهره‌مندی از حق بر شهر در بین شهروندان است. برای این منظور از روش رگرسیون لجستیک اسمی دووجهی استفاده شده است زیرا بخت‌ها احتمال رخ دادن یک واقعه (بهره‌مندی از حق بر شهر) بر احتمال رخ ندادن آن واقعه (بهره نبردن از حق بر شهر) را برحسب متغیر دووجهی (جنسیت) را می‌تواند محاسبه کند. زمانی می‌توان از این رگرسیون استفاده کرد که متغیرهای مستقل یا در سطح کمی و یا در سطح کیفی طبقه بندی شده باشند. اما اگر در سطوح اسمی و ترتیبی باشند حتماً باید این متغیرها را به متغیرهای تصنعی تبدیل کنیم، لذا لزومی ندارد که متغیرهای مستقل دارای توزیع نرمال چند متغیره باشند اما اگر چنین باشد، برازش مدل بهتر خواهد بود و چندهم‌خط نبودن متغیرهای مستقل نیز یکی از مفروضات آن است (حبیب‌پور گنابی و صفری شالی، ۱۳۹۴).

قلمرو و جغرافیایی پژوهش

شهر قزوین، مرکز استان و شهرستان قزوین و در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز واقع شده است. اتوبان تهران - زنجان از شمال شهر و راه هن تهران - زنجان نیز از جنوب شهر می‌گذرد. شهرهای محمدیه، بیدستان و شهرک صنعتی البرز در شرق، شهرک صنعتی لیا در جنوب، شهر اقبالیه در جنوب غربی و شهر محمود آباد نمونه در شرق شهر قزوین واقع شده اند. دشت قزوین، بخش‌های غربی، شرقی و جنوبی شهر را فرا گرفته است. شهر قزوین طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، دارای جمعیت ۴۰۲۷۴۸ نفر و مساحت ۶۴/۱۳۲ کیلومتر مربع بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بر اساس ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی چهار نوع بافت و طبقه اجتماعی در این شهر وجود دارد، لذا یکی از مهمترین دلایل انتخاب شهر قزوین به عنوان نمونه موردی، دارا بودن تنوع طبقات اجتماعی می‌باشد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، ۱۳۹۸).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر قزوین (منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، ۱۳۹۸)

یافته‌ها و بحث

زمینه پژوهش به طور خلاصه، میانگین سنی پاسخگویان ۴۲ سال و رده پاسخگویان از ۱۸ تا ۶۵ سال است. میانگین زنان مورد پژوهش ۳۳ سال و میانگین سنی مردان ۳۹ سال است. طبق سرشماری ۱۳۹۵، نسبت جنسیتی ۱۰۲/۳۴ می‌باشد، ۲۲/۳ درصد از پاسخگویان مجرد و ۷۷/۲ نفر از آن‌ها متأهل بوده‌اند. وضعیت توزیع تحصیلات در جمعیت نمونه، نشان داده است که ۱۰/۵ درصد پاسخگویان تحصیلات زیر دیپلم، ۳۵/۴ درصد تحصیلات دیپلم، ۲۵/۴ درصد تحصیلات لیسانس و ۲۴/۴ درصد پاسخگویان تحصیلات فوق لیسانس و ۴/۴ درصد پاسخگویان تحصیلات دکتری و یا بالاتر داشته‌اند.

جنسیت و حق بر شهر

همان طور که اشاره شد، هدف در تحقیق حاضر بررسی رابطه جنسیت و حق بر شهر در شهر قزوین از روش رگرسیون لجستیک اسمی دو وجهی است. در ارتباط با پیش فرض‌های این رگرسیون، با توجه به این مساله که متغیر وابسته از نوع اسمی است و متغیرهای مستقل از نوع ترتیبی با تصنعی کردن آنها این پیش فرض برقرار خواهند بود. در ارتباط با عدم وجود هم‌خطی نیز، این پیش فرض در هنگام انجام تحلیل رگرسیونی صورت گرفته و نتیجه قابل قبولی به دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که در مجموعه داده‌ها منعی برای استفاده از تحلیل لجستیک وجود ندارد. در ادامه یافته‌های تحلیل لجستیک ارائه می‌شوند. تحلیل لجستیک با قرار دادن جنسیت به عنوان متغیر وابسته و حق بر شهر به عنوان متغیر مستقل انجام گرفت. این بدان معناست که در صورت دریافت تأیید از این تحلیل، می‌توان ادعا کرد که طبقات جنسیتی متفاوتی وجود دارد که در میزان بهره‌مندی از حق بر شهر بخت متفاوتی دارند. در این تحلیل زن بودن با کد صفر و مرد بودن با کد یک مشخص شد. برای انجام تحلیل از روش همزمان استفاده شد. در این روش، تمامی متغیرها در یک مرحله وارد مدل می‌شوند.

جدول دو طرفه متغیرها

به منظور بررسی رابطه بین متغیرها به صورت دو به دویی و سنجش ارتباط متغیر جنسیت با متغیرهای حق بر شهر به صورت ساده، از روش جدول کراس بهره برده خواهد شد.

جدول ۲. ارتباط جنسیت و حق بر شهر

جنسیت	حق بر شهر	
	۰	۱
۰	۱۴۶	۲۹
۱	۱۲۳	۹۲

بررسی‌ها نشان می‌دهد هیچ ارزش صفری در سطرها مشاهده نشد، بالاترین ارزش ۱۴۶ و پایین‌ترین ارزش ۲۹ بدست آمده است. از این جدول به طور ساده می‌توان برداشت کرد که ۱۴۶ نفر از زنان جامعه نمونه که با کد صفر مشخص شده است، ادراک کمی از بهره‌مندی از حق بر شهر دارند و ۲۹ نفر دارای این ادراک می‌باشند، در رابطه با مردان جامعه نمونه این تفسیر به همان ترتیب، ۱۲۳ به ۹۲ نفر می‌باشد. طی معادله رگرسیون لجستیک میزان توزیع باقیمانده به شرح زیر بدست آمد:

جدول ۳. چارک توزیع مقدار باقیمانده حق بر شهر

بیشترین مقدار	چارک سوم	مقدار متوسط	چاک اول	کمترین مقدار
۱/۲۵۱۰	۱/۲۵۱۰	۰/۷۴۰۳	-۱/۱۰۵۵	-۱/۶۹۰۳

باقیمانده انحرافات، با توجه به سهم انحرافات در هر آیتیم در مدل نمایش داده شده است، در بالاترین سطح، مشاهدات ۱/۲۵۱۰ از مقادیر مورد انتظار بزرگتر و در پایین‌ترین سطح، مشاهدات -۱/۶۹۰۳ از مقادیر مورد انتظار کمتر است. با توجه به نزدیک بودن حد پایین و حد بالا مدل مناسب خواهد بود.

در این مدل جنسیت و حق بر شهر با مقدار حد اطمینان $P=۶/۷۳-۰۸***$ مرتبط و با مقدار (۱/۳۲۵۹) از مبدا ارتباط نشان داد در این معادله مقدار ضریب AIC معادل ۵۰۸/۲۱ بدست آمد. با توجه به ارزش مربوط به متغیر و کمتر بودن آن از ۰/۰۵ می‌توان تحلیل کرد که متغیر معنی دار است و مدل رگرسیونی فوق، مدل مناسبی است.

معیار پراکندگی بیان شده، نشان می‌دهد که در توزیع دو جمله‌ای واریانس به میانگین وابسته است. با توجه به انحراف صفر درجه آزادی برابر با ۳۸۹ می‌باشد. تعداد تکرارها تا رسیدن به جواب ۴ بار بوده است. کوچک بودن مقدار انحراف باقیمانده (۵۰۴/۲۱) در مقایسه با مقدار انحراف صفر (۵۳۶/۵۵) نشان دهنده برازش مناسب مدل و مؤثر بودن متغیرهای مستقل بر متغیر پاسخ است. از طرفی به منظور تست صحت آزمون از کمترین میزان آکائیک استفاده می‌گردد، این مقدار که تعریف شده به صورت فرمول زیر است:

$$AIC = -2 \times \log \text{likelihood} + 2 \times p$$

و p تعداد متغیر در معادله و قسمت اول فرمول اصلاح کننده خطای مدل موجود است که دارای تعداد زیادی متغیر است. هر چه میزان این معیار کمتر باشد، رگرسیون متناسب‌تر تشخیص داده می‌شود، با توجه به عدد به دست آمده در مقایسه با مطالعاتی از این دست می‌توان مناسب بودن مدل فرض شده را تعیین نمود.

جدول ۴. عامل موثر بر بهره مندی از حق بر شهر با استفاده از مدل چند گانه رگرسیون لجستیک

نسبت شانس (OR)	% ۹۷/۵
عرض از مبدا	۱/۰۷۰۲۸۶
حق بر شهر	۶/۱۷۳۵۰۸

در خروجی فوق، که مقدار تابع نمایی (آنتی لگاریتم اعداد) بر اساس محاسبات، مقادیر بخت و فواصل اطمینان ۹۵ درصد برای نسبت شانس (OR) مربوط به مدل آورده شده‌اند، به متغیر میزان درک از حق بر شهر، با تغییر جنسیت از زن به مرد، بخت بهره مندی از حق بر شهر به میزان ۳/۷۷ برابر افزایش می‌یابد. یا به عبارتی مردان ۰/۲۷ برابر شانس بالاتری برای بهره مندی از حق بر شهر نسبت به زنان دارند.

جدول ۵. ضرایب عرض از مبدا حق بر شهر

عرض از مبدا	حق بر شهر
-۰/۱۷۱۴	۱/۳۲۵۹

با توجه به دستور فرمول نویسی، معادله رگرسیون لجستیک، به شرح زیر است:

معادله رگرسیون لجستیک = $0.1717 + (1/33) * \text{حق بر شهر}$

در ادامه طبق خروجی های بدست آمده، می‌توان اطلاعات جامعی از تعداد افرادی که در هر گروه متغیر وابسته قرار می‌گیرند و همچنین آمارهای توصیفی به دست آورد. مقادیر ۱۷۸/۸۳ و ۱۷۷/۱۱ تابع چی اسکوار نشان از برازش کلی مدل لجیت و اعتبار علمی آن دارد، که به نسبت عدد بالایی محسوب می‌شود.

جدول ۶. ضرایب رگرسیونی درک زنان از حق بر شهر

مقدار ارزش	اماره والد	خطای استاندارد	پیش بینی کننده
<۰/۰۰۰۱	-۷/۴۰	۱/۱۰۷۴	-۸/۱۹۷۴
<۰/۰۰۰۱	-۷/۷۹	۱/۶۱۷۴	-۱۲/۵۹۴۳
۰/۰۳۴۹	۰/۹۴	۰/۴۰۹	۰/۳۸۳۰
۰/۰۱۰۷۸	۱/۶۱	۰/۴۰۴	-۰/۶۴۹۸
۰/۰۲۱۹۸	۱/۲۳	۰/۷۰۸	۰/۸۶۹۶
<۰/۰۰۰۱	۴/۱۳	۰/۸۶۰۶	-۰/۵۵۵۲
۰/۰۲۳۲۱	۱/۱۹	۰/۵۰۹	۰/۶۰۸۴
۰/۰۰۵۸	۲/۶۳	۰/۵۵۱	۱/۴۵۲۴

جدول ۷. ضرایب رگرسیونی درک مردان از حق بر شهر

مقدار ارزش	اماره والد	خطای استاندارد	پیش بینی کننده
<۰/۰۰۰۱	-۷/۴۱	۱/۶۱۸۴	-۱۱/۹۸۵۳
<۰/۰۰۰۱	-۷/۲۵	۲/۶۱۷۹	-۱۸/۹۹۲۷
۰/۰۴۸۶	۱/۸۲	۰/۳۶۹۹	۰/۶۷۳۶۰
<۰/۰۰۰۱	۳/۹۰	۰/۳۶۴۷	۱/۴۲۰۸
<۰/۰۰۰۱	۴/۷۲	۰/۷۶۲۹	۳/۵۹۷۵
۰/۰۲۹۱۱	۱/۰۶	۰/۵۱۵۶	۰/۵۴۴۲
<۰/۰۰۰۱	۵/۰۱	۰/۴۱۰۳	۲/۰۵۶۹
۰/۰۰۰۶	۳/۴۲	۰/۵۳۲۹	۱/۸۲۲۷

در بخشی از خروجی که با علامت کوچکتر و بزرگتر مشخص شده است می‌توان مرز تفکیک بین گروه‌ها را مشخص کرد. در مقابل متغیرهای مستقل نقش پیش بینی کننده آنها آمده است و همچنین آماره والد به دنبال تعیین معنی داری هر ضریب است. بر اساس جدول فوق تمامی ۶ متغیر مستقل دارای ضریب والد معنی دار هستند، بنابراین دارای اثر مثبت بر متغیر وابسته هستند تفاوت در میزان رضایتمندی در جدول (۷) مورد توجه است. بیشترین تفاوت در میزان رضایتمندی در میان زنان و مردان مربوط به مؤلفه حق آسودگی فیزیکیست که، طبق گویه‌های معرف مؤلفه، احساس عدم امنیت در ابعاد مختلف در زنان بیشتر از مردان است که به وضوح از نتایج این سنجش قابل مشاهده است، بحث مناسب سازی محیط برای حضور تمامی اقشار نیز در این مؤلفه بررسی شد که عدم رضایت زنان نشان از تک بعدی بودن اکثر فضاهای شهر می‌باشد. دومین تفاوت عمده در رابطه با مؤلفه ساماندهی است که زنان حق کمتری در اثر گذاری در ساماندهی شهری دارند که این مهم می‌تواند به دلیل پر رنگ‌تر بودن نقش مردان در پست‌های مدیریتی شهر باشد. در تمامی مؤلفه‌ها همانطور که در جدول ۸ مشخص است مردان رضایت بیشتری از حق بر شهر دارند. به طور کلی بیشتر میزان رضایت مربوط به مؤلفه حق ساماندهی و کمترین میزان رضایت مربوط به مؤلفه حق تولید و تکوین فضا می‌باشد. بالاترین میزان تاثیرگذاری مربوط به متغیر ساماندهی با مجموع ضریب ۴/۴۷ است، که بیانگر آن است که با افزایش یک واحدی رضایتمندی، ضریب ارتقا از یک طبقه به طبقه بالاتر به ۴/۴۷ افزایش می‌یابد. مجموع ضریب ۱,۰۵ متغیر حق تولید و تکوین فضا پایین‌ترین میزان ضریب را دارا است، که معنی دار نیز هست و نشان می‌دهد که با افزایش یک واحدی رضایتمندی، ضریب ارتقا از یک طبقه به طبقه بالاتر به ۱/۰۵ افزایش می‌یابد.

نتیجه گیری

شهر متشکل از مجموعه فضاهاییست که وجه تمایز محیط شهری و غیر شهری است و در عین حال فضا مفهومی ادراکی می‌باشد و ادراک از فضا را نمی‌توان به عنوان عنصری یکپارچه در نظر گرفت که در تمامی افراد یکسان است، بنابراین یک فضای واحد می‌تواند بسته به سن، جنسیت، قومیت، طبقه اجتماعی و ... به اشکال متفاوتی ادراک شود. چنانچه پیش فرض وجود رابطه میان فضاهای شهری و نگرش‌های افراد را پذیرا شویم به این نتیجه خواهیم رسید که روابط اجتماعی افراد نیز از فضاهای شهری تأثیر می‌پذیرد. زیرا پیوند میان شناخت‌ها و احساسات با منش‌ها و کنش‌ها از دیدگاه جامعه‌شناختی امری بدیهی است. با توجه به اهمیت جنسیت به مثابه یک عامل تعیین کننده بنیادین در شیوه‌های جامعه‌پذیری افراد، پیش‌بینی می‌شود که نگرش‌های مردان و زنان نیز نسبت به مولفه‌های فضایی متمایز باشد. مجموعه این برداشت‌های احساسی و شناختی ایجاد شده در شهروندان به یک ادراک عمومی از حقوق شهروندی می‌انجامد که تمرکز ما در این پژوهش مطالعه ابعاد آن و ارتباط آن با مفهوم جنسیت بوده است. بدیهی است که هم زنان و هم مردان از مولفه‌های فضایی تأثیر می‌پذیرند. از این رو به جای تمرکز بر ادراک زنان، مفهوم جنسیت را به عنوان عاملی تعیین کننده در ادراک از فضاهای شهری در نظر گرفته شد تا علاوه بر بررسی وضعیت ادراک زنان از حق بر شهر، به مطالعه تاثیرات حق بر شهر بر فضاهای شهری نیز در مرحله بعد و در ادامه پژوهش بپردازیم.

طبق نتایج مورد تحلیل قرار گرفته، جنسیت نقش مهمی در میزان ادراک شهروندان از بهره مندی از حق بر شهر دارد و تفاوت‌های جنسیتی در بهره مندی از حق بر شهر مشهود است. در واقع میتوان به این نتیجه رسید که تحقق پذیری حق بر شهر موجب عدالت جنسیتی در بهره مندی از شهر خواهد شد. طبق بررسی ها یک شهروند مرد ساکن قزوین به احتمال حدود ۳۰ درصد، بیش از شهروند زن ساکن قزوین، ادراک بهره مندی از حق بر شهر را دارد که بخت قابل ملاحظه‌ای است. نتایج مشابهی نیز از مطالعه رهبری در سال ۹۳ در رابطه با شهر تهران به دست آمده است، بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که تفاوتی میان وسعت شهر و اختلاف بخت بهره مندی از حق بر شهر وجود ندارد و اساساً شهرهای کوچک و بزرگ دارای این خلاء می‌باشند. در مطالعه رهبری مؤلفه‌های تأثیر گذار بر حق بر شهر به طور کلی از نظر شهروندان سنجیده شده است و اختلاف در بهره مندی به تفکیک جنسیت انجام نشده است، چنانکه در تحقیق حاضر این مهم بررسی شده و نتایج بیانگر آن است که با افزایش رضایتمندی زنان از حق بر شهر میزان رضایتمندی افراد جامعه افزایش چشمگیری خواهد داشت، به بیان ساده‌تر عدم رضایت بیشتر از در نظر نگرفتن شهروندان زن نشأت می‌گیرد و که نشان از نابرابری ها در بهره مندی از فضای شهری و جنسیتی شدن فضاهای شهر قزوین است. چنانچه رضایت شهروندان و "نجات بشر به عنوان شخصیت اصلی ساخته شده توسط شهر" توسط لوفور تأکید شده است. بررسی مطالعه پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸) تنها وجود تفاوت در بهره مندی را تأکید داشته و نتایج بیانگر آن است که

بیشترین میزان اختلاف در بهره مندی در بعد حق مشارکت مشاهده شده است حال آنکه در تحقیق حاضر بعد آسودگی فیزیکی بیشترین تمایز میان زن‌ها و مردها در میزان رضایتمندی داشته است که نشان می‌دهد فضاهای شهر قزوین احساس امنیت زنان را به اندازه مردان تأمین نمی‌کند. فضاها ساختار جنسیتی داشته و تمامی فضاها مناسب حضور زنان در زمان‌های مختلف نیست، بنابراین این می‌توان نتیجه گرفت با افزایش امنیت فضاها و حضور پذیرتر کردن فضاهای شهری می‌توان تفاوت بخت را تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش داد.

تجزیه و تحلیل‌های منتج از پرسشنامه نشان می‌دهد حق در فضای عمومی ارتباط نزدیکی با حق فضاهای خصوصی به ویژه از منظر جنسیتی دارد و حق بر شهر به واسطه مناسبات قدرت به اصطلاح مرد سالارانه چه در فضاهای خصوصی و چه در فضاهای شهری نقض می‌شود، با این تفاوت که در فضاهای عمومی نقش مناسبات قدرت، پر رنگ تر بوده بنابراین نادیده گرفتن حق بر شهر بیشتر مورد توجه است. همین طور روابط قدرت مرزهای بهره مندی از حق بر شهر را برای زنان و دیگر گروه‌های خاص شهری تعیین می‌کند. این سلطه‌گری‌ها تلاش در حذف گروه‌های خاص و یا کم کردن نقش آن‌ها در شهرهای موجود را دارند. چنانچه به طور سنتی مردان قدرت اجتماعی و اقتصادی بیشتری نیز در نظم دهی و شکل دهی به فضاهای شهری دارند و میتوان پیشبینی کرد که مطابق با نیازهای خود فضا را شکل میدهند که نتیجه این موضوع نا برابری‌های فضایی است. بنابراین در این چارچوب، حق بر شهر و هر دو حق مشارکت و حق برخورداری، به طور جدی درگیر بحث روابط قدرت هستند و ساختار مردسالارانه شکل گرفته به تحقق حق بر شهر زنان و دیگر گروه‌های خاص آسیب می‌زند. چنین بحثی در مفهوم سازی لوفور به چشم نمی‌خورد و تا حدی مفهومی آرمانشهر گرایانه به نظر میرسد.

برای آنکه زنان بتوانند نقش فعال و مشارکت سازنده در شهرها داشته باشند نیاز به تغییر پارادایم و بررسی دقیق موقعیت‌ها و عوامل و سیاست‌های عمومی است که نقش زنان در شهرها را تقلیل داده اند. برخورداری زنان از حق بر شهر عاملی اساسی در ایجاد دموکراسی شهروندی واقعی است و به زنان، امکان مطالبه خواسته‌ها و برخورداری از خدمات عمومی را می‌دهد. پرداختن و رفع موانع بحرانی مطرح شده در این پژوهش نیازمند یک تحول اساسی و مستلزم آموزش‌های رسمی و غیر رسمی در رابطه با نابرابری‌های جنسیتی در فضاهای عمومی شهر، تقسیم جنسیتی کار و تبعیض‌هاست.

بهره گیری از تجارب زنان در شهر و روش‌های مشارکتی گامی به سوی ایجاد و آموزش شهروندی فعال می‌تواند باشد. و این مهم موجب بهبود شرایط زندگی در فضاهای شهری شده و شهروندان به مشارکت فعال متعهد خواهند شد و در نتیجه تنها دریافت‌کننده مداخلات و برنامه ریزی‌ها توسط متخصصان نخواهند بود.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با موضوع حق به شهر و چالش فضاهای شهری ایران بوده، که در گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین از آن دفاع شده است.

منابع

- احمدی، حسن؛ رضاعلی، منصور و چهارراهی، ذبیح الله. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: شهر استهبان، استان فارس). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۲(۱۲)، ۳۷۵-۳۸۹.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۶). *فضا و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران*. استاد راهنما: حسین شکویی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- اکبریان ریزی، سعیدرضا؛ حق بیان، رسول و نبی زاده، مازیار. (۱۳۹۹). بررسی الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان فضای شهری جهت پایداری اجتماعی محیط (مطالعه موردی: محور تجاری محله ساغریسازان شهر رشت). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۲(۱۵)، ۵۶۰-۵۴۵.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ روستایی، شهریور و خضرنژاد، پخشان. (۱۳۹۸). تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی (نمونه ی موردی: شهر ارومیه). *نشریه زن و جامعه*، ۴(۴۰)، ۱۹۵-۲۲۲.
- حبیب‌پور گتایی و کرم و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۴). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*. تهران: انتشارات لویه.

حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۹۱). *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تاجر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حبیبی، میترا و علی‌پور شجاعی، فرشته. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان نمونه موردی: پارک آب و آتش و بوستان بهشت مادران تهران. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۰(۱)، ۳۰-۱۷.

خانمرادی، سجاد؛ معینی‌فر، مریم و بیگدلی راد، وحید. (۱۴۰۱). تحلیل نقش اعیان‌سازی بافت فرسوده شهری بر تحولات هویتی ساکنان محلات قدیمی با رویکرد آینده پژوهی (موردی: بافت فرسوده شهر زنجان). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۲(۱۷)، ۳۰۳-۲۹۱.

رضازاده، راضیه و محمدی، مریم. (۱۳۹۱). بررسی حضورپذیری زنان در فضاهای شهری. نشریه هویت شهر، ۶(۱۲)، ۲۶-۱۵.

رهبری، لادن و شارع پور، محمود. (۱۳۹۳). جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران. *نشریه جامعه‌شناسی ایران*، ۱۵(۱)، ۱۴۱-۱۱۶.

فعال‌قیومی، علی و مومنی، منصور. (۱۳۸۹). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*. تهران: انتشارات کتاب نو.

وبسایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین. (<https://erqz-mporg.ir>). (۱۳۹۸).

- Arendt. H., (1989). *Lectures on Kant's political philosophy*: University of Chicago Press.
- Bastia. T., (2018). Transnational migration and the gendered right to the city in Buenos Aires. *Cities*, 76, 18-22.
- Beebejaun. Y., (2017). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
- Brenner. N., & Elden. S., (2009). Henri Lefebvre on state, space, territory. *International Political Sociology*, 3(4), 353-377.
- Chant. S., & McIlwaine. C., (2015). *Cities, slums and gender in the global south: Towards a feminised urban future*. (1th Ed.). London: Routledge.
- Cochran. W. G., (1963). *Sampling Techniques*. (3th Ed.) New York: Wiley.
- Crenshaw. K., (1997). Mapping the margins: Intersectionality, identity politics, and violence against women of color. The legal response to violence against women. *Stanford Law Review*. 43(6), 1241-1299.
- DeSena, JN., (2008.) *Gender in an Urban World: Research in Urban Sociology*. Bingley, UK: Emerald Group Publishing Ltd, 53-75.
- Doan. P. L., (2015). *Planning and LGBTQ communities: The need for inclusive queer spaces*, (1th Ed.). London: Routledge.
- Elden. S., (2004). *Understanding Henri Lefebvre*. (1th Ed.). London: Continuum.
- Fabulaa, SZ., & Timár. J., (2018), Violations of the right to the city for women with disabilities in peripheral rural communities in Hungary. *Cities*. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.12.00>
- Falú. A., (2013). Anales de la II Cumbre Iberoamericana sobre Agendas Locales de Género de la Unión Iberoamericana de Municipalistas. *Aguas Calientes*, 23-27.
- Fenster. T., (2005). The right to the gendered city: Different formations of belonging in everyday life. *Journal of Gender Studies*, 14(3), 217-231.
- Frisch. M., (2015). *Finding transformative planning practice in the spaces of intersectionality*. In *Planning and LGBTQ Communities*. London: Routledge.
- Haynes. S. N., Richard. D., & Kubany. E. S., (1995). Content validity in psychological assessment: A functional approach to concepts and methods. *Psychological assessment*, 7(3), 238.
- Heravi-Karimooi. M., Rejeh. N., Garshasbi. A., Montazeri. A., & Bandari. R., (2018). Psychometric properties of the Persian version of the quality of life in early old age (CASP-19). *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 12(2),
- Hosseinzadeh. A., (2012). Differences between Men and Women and the Role and Function. *Marfat*, 10(74), 61-71.
- Jabareen. ,, ())))) TĒe hhhh oo eee ii yyvvviii ee: eeee gggggaaan iissss-The case of Arab Cities in Israel. *Habitat International*, 41, 135-141.
- Jarvis. H., Cloke. J., & Kantor. P., (2009). *Cities and gender*: London: Routledge.
- Kipfer. S., Saberi. P., & Wieditz. T., (2013). Henri Lefebvre: Debates and controversies1. *Progress in Human Geography*, 37(1), 115-134.
- Klodawsky. F., Blomley. N., (2009). Introduction—rights, space, and homelessness. *Urban Geography*, 30(6), 573-576.
- Kymlicka. W., Norman. W., (1994). Return of the citizen: A survey of recent work on citizenship theory. *Ethics*, 104(2), 352-381.

- Lefebvre, H. (1996). Right to the City, w: E. Kofman, E. Lebas (red.): Writings on *Cities*. Henri Lefebvre. In: Blackwell, Oxford–Cambridge, MA.
- Lister, R., (1997). Citizenship: Towards a feminist synthesis. *Feminist review*, 57(1), 28-48.
- Marcuse, P., (2010). Rights in Cities and the Right to the City? *Cities for All*, 87.
- Massey, D., (2013). *Space, place and gender*, John Wiley & Sons.
- McDowell, L., (1999). *City life and difference: negotiating diversity*. Allen, J., Massey, D. and Pryke, M. (eds.), *Understanding Cities-Unsettling Cities*, London: Routledge, 101-140.
- McIlwaine, C., (2013). Urbanization and gender-based violence: exploring the paradoxes in the global South. *Environment and Urbanization*, 25(1), 65-79.
- Najmabadi, A., (2005). *Women with mustaches and men without beards: Gender and sexual anxieties of Iranian modernity*: Univ of California Press.
- Newman, I., Lim, J., & Pineda, F., (2013). Content validity using a mixed methods approach: Its application and development through the use of a table of specifications methodology. *Journal of Mixed Methods Research*, 7(3), 243-260.
- Patel, S., & Mitlin, D., (2002). Sharing experiences and changing lives. *Community Development Journal*, 37(2), 125-136.
- Purcell, M., (2002). Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant. *GeoJournal*, 58(2-3), 99-108.
- Purcell, M., (2003). Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order. *International journal of urban and regional research*, 27(3), 564-590.
- Young, I. M., (2011). *Justice and the Politics of Difference*: Princeton University Press.
- Yuval-Davis, N., (2004). Gender and nation. *Women, Ethnicity and Nationalism*, 16(4), 621-632.



How to cite this article:

Shokohfar, F., Davodpour, Z., & Bigdeli Rad, V. (2023). Right To the City and Sexual Differences Challenges (Case Study: Qazvin City). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(4), 977-989.

ارجا به این مقاله:

شکوه‌فر، فهیمه؛ داودپور، زهره، و بیگدلی راد، وحید. (۱۴۰۱). واکاوی چالش تفاوت‌های جنسیتی و حق بر شهر (مطالعه موردی: شهر قزوین). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷(۴)، ۹۷۷-۹۸۹.

فصلنامه علمی

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی